

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

تحلیل و بازآفرینی داستان خوان دوم هرakلی براساس الگوهای روایت‌شناسی

گلاره فرشچیان

دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات نمایشی، موسسه آموزش عالی هنر و اندیشه اسلامی، قم

g.farshchian@gmail.com

واژگان کلیدی: هرکول، ریخت‌شناسی، پراپ، گرماس، بازآفرینی

مقدمه

غریب به ۶۰۰ سال پیش از میلاد مسیح کتابی گردآوری و روایتی یکپارچه نگاشته شد که منتسب به شاعر حماسه‌سرای یونانی، پیساندر می‌باشد که نه تنها در عصر حاضر در تمام جهان مورد تحلیل قرار گرفته بلکه در عصرهای آینده نیز جهان شمول بودنش را در زبان‌های متفاوت همچنان ادامه و از خود نور متساعد خواهد کرد و آن کتاب «دوازده خوان هرکول» منتسب به پیساندر است. از آنجا که نسخه اصلی در پایپروس نگاشته شده نویسندگان مختلفی از جمله راجر لنسلین گرین و جان پین سنت آن را بازنویسه‌اند. نگارنده از کتاب راجر لنسلین گرین ترجمه عباس آقاجانی جهت پژوهش خود استفاده کرده است و از آنجایی که در کشورمان تنها افراد معدودی نام دوازده خوان هرکول را شنیده‌اند و مهمتر آنکه خوانش و تحلیل این کتاب در کشورمان محدود به اساتید و دانشجویان تخصصی است، وظیفه داریم روایت و الگوهایی که پیساندر بکار گرفته است را کشف نموده و آن را به دانشجویان بشناسیم؛ تا آنان نیز به افراد جامعه و مخصوصا به کودکان و جوانان منتقل کرده و رسالت خود را تکمیل نمایند.

ما در این پژوهش قصد آن داریم تا با استفاده از الگوهای ریخت‌شناسی، پیرنگ و کنشگران به تحلیل خوان دوم از دوازده خوان هرکول پرداخته و سپس با توجه به المان‌های بررسی شده به بازآفرینی داستانی امروزی بنام هفت‌خوان هوشنگ خواهیم پرداخت. نکته حایز اهمیت آن است که قدرت نوشتاری پیساندر به قدری بالاست که نمایش امروزی نگاشته شده در انتهای پژوهش را بازآفرینی کرده و حتی می‌توان از این قدرت به اشکال مختلف و زمان‌های مختلف جهت بازآفرینی از داستان‌های وی وام گرفت.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

خلاصه خوان دوم هرکول

هرکول یا هراکلس پسر زئوس و آلف منا در تبس بدنیا آمد. هرکول بزرگ شد و نامادریاش هرا به او حسودی می کرد پس بر آن آمد تا با حیلای وی را اسیر غضب زئوس گرداند لذا با جنونی آنی که به وی فرود آورد، هرکول همسر و فرزندش را کشت. سپس از کرده‌ی خود پشیمان شد و زئوس او را به آرگولیس نزد اوروستیوس بزدل جهت ده کار بزرگ تبعید نمود و هرا گفت «اگر از عهده‌ی ماموریت‌ها برآید او را آزاد می‌کنم». از این رو خوان‌های هرکول شروع شد. در بین ده کار بزرگ هرکول دو کار را با کمک دیگری پشت‌سر گذاشت که مورد قبول اوروستیوس واقع نگردید و دو ماموریت دیگر به هرکول محول گردید.

خوان دوم از خوان‌های هرکول رفتن به لرنا و کشتن مار عظیمی بنام هودره بود. این مار نه سر داشت و چنان زهرآگین بود که تنفسش هر موجود زنده‌ای را می‌کشت و باعث وحشت مردم آن ناحیه شده بود. هرکول همراه یولائوس به کنار مرداب رفت که آتنا بر او ظاهر گشت و گفت: «با رها کردن تیرهای آتشین به درون غار وادارش کن بیرون بیاید اما زمان نبرد هرگز نفس نکش و همچنین مرکز سر آن فناپذیر است». هرکول حرف آتنا را به خاطر سپرد و به یولائوس فرمان داد تا آتشی بیفزود و دسته‌هایی از علف خشک را به تیرها گره بزند و شعله‌ور سازد. سپس تیرها را به داخل غار افکند. مار مخوفی بیرون می‌آید و با گرز نزدیکترین سر آن را خورد و خمیر می‌کند اما به جای آن دو سر جدید با همان مخوفی بیرون می‌زند و بدتر اینکه خرچنگی عظیم از مرداب بیرون آمده و پای هرکول را می‌گیرد. در ابتدا با گرز خرچنگ را می‌کشد و سپس به یولائوس فرمان می‌دهد که با هر ضربتی که بر فرق مار می‌زند وی محل اصابت را بسوزاند که این کار مانع از رشد مجدد می‌شود. در نهایت تنها سر جاودان هودره را با شمشیر برید و زیر سنگ بزرگی گذاشت. شمشیر خود را با وارد کردن در خون هودره زهرآلود می‌سازد. اوروستیوس وقتی ماجرا را می‌شنود به هرکول می‌گوید: «تو تقلب کرده‌ای. یولائوس تو را یاری کرده است. ماموریت‌هایت را باید به تنهایی انجام دهی. این یکی به حساب نمی‌آید. بنابراین هنوز نه کار دیگر مانده است. اکنون برو ماده گوزن زرین شاخ را برایم بیاور.» (آفاجانی، ۱۳۹۲)

هرکول در ادامه خوان‌های خود را با موفقیت به انجام می‌رساند.

بیکربندی خوان دوم هرکول

۱. ماموریت رفتن به لرنا و کشتن مار عظیمی بنام هودره؛
۲. راهنمایی آتنا به هرکول جهت شکست دادن هودره؛
۳. به وسیله دود هودره را به بیرون از غار می‌کشاند؛
۴. مواجه شدن با مار خوفناک نه سر و خرچنگی عظیم؛

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

- از بین بردن خرچنگ؛
- فرمان به یولائوس جهت سوزاندن محل‌های مورد اصابت شده گرز؛
- بریدن سر جاودانه هودره و گذاشتن آن زیر سنگی بزرگ؛
- زهرآلود ساختن شمشیر با خون هودره؛
- اوروستیوس ماموریت هرکول را به جهت همکاری داشتن با یولائوس رد می‌کند.

تطبیق الگوی ریخت‌شناسی پراپ بر خوان دوم هرکول

پراپ با مطالعه استقرائی قصه‌های عامیانه متوجه شد که تمامی قصه‌ها دارای کارکردهای مشابه و مشخصی هستند (پراپ، ۱۳۹۸). او این کارکردها را در یک الگوی مشخص ارائه کرد. در ادامه کارکردهای پراپ بر خوان دوم هرکول تطبیق داده می‌شوند.

کارکردهای موجود از منظر پراپ	کارکردهای موجود در داستان رستم و اسفندیار
یکی از اعضای خانواده از خانه غایب می‌شود.	هرکول همسر و فرزند خود را می‌کشد.
محرومیت نقض می‌شود.	ده کار بزرگ انجام می‌گردد.
از قهرمان درخواستی می‌شود یا دستوری به او داده می‌شود.	کشتن ماری خوفناک.
قهرمان خانه را ترک می‌کند.	به سنت شهر لرننا حرکت می‌کند.
قهرمان مورد آزمایشی قرار می‌گیرد، که راه را برای دراختیار گرفتن عاملی جادویی یا یک یاری دهنده هموار می‌سازد.	آتنا هرکول را راهنمایی می‌کند.
قهرمان در برابر اعمال اهداکننده آتی عکس‌العمل نشان می‌دهد.	تشکر از رهنمودهای آتنا.
قهرمان به طرف شی مورد جستجو فرستاده یا راهنمایی می‌شود.	پیدا کردن هودره.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

قهرمان و آدم شرور در مقابله‌ی روبه‌رو قرار می‌گیرند.	نبرد با هودره و خرچنگ عظیم.
آدم شرور شکست می‌خورد.	آدم شرور شکست می‌خورد.
از بین بردن هودره و خرچنگ عظیم.	از بین بردن هودره و خرچنگ عظیم.
قهرمان باز می‌گردد.	قهرمان باز می‌گردد.
بازگشت به سمت اوروستیوس.	بازگشت به سمت اوروستیوس.

تطبیق الگوی پیرنگ بر خوان دوم هرکول بر اساس الگوی گرماس

مهم‌ترین عنصر ساختمان یک متن ادبی را پیرنگ گویند (قادری، ۱۳۸۸). الگوی پیرنگ یا الگوی پنج‌تایی، الگویی است که سه وضعیت اصلی، و دو نیروی تخریب‌کننده و سامان‌دهنده در داستان را مشخص می‌کند (عباسی، ۱۳۸۵). در ادامه این الگو بر روی خوان دوم هرکول تطبیق داده می‌شود.

عناصر الگوی پیرنگ	تطبیق بر سیر روایی قصه
وضعیت ابتدایی	خوان دوم از خوان‌های هرکول رفتن به لرنا و کشتن مار عظیمی بنام هودره بود.
نیروی تخریب‌کننده	مواجهه با مار نه سر خوفناک و خرچنگی عظیم.
وضعیت میانی	هرکول همراه یولائوس به کنار مرداب رفت که آتنا بر او ظاهر گشت و گفت: «با رها کردن تیرهای آتشین به درون غار وادارش کن بیرون بیاید اما زمان نبرد هرگز نفس نکش و همچنین مرکز سر آن فناپذیر است». هرکول حرف آتنا را به خاطر سپرد و به یولائوس فرمان داد تا آتشی بیفروزد و دسته‌هایی از علف خشک را به تیرها گره بزند و شعله‌ور سازد. سپس تیرها را به داخل غار افکند. مار مخوفی بیرون می‌آید و با گرز نزدیکترین سر آن را خورد و خمیر می‌کند اما به جای آن دو سر جدید با همان مخوفی بیرون می‌زند و بدتر اینکه خرچنگی عظیم از مرداب بیرون آمده و پای هرکول را می‌گیرد. در ابتدا با گزش خرچنگ را می‌کشد و سپس به یولائوس فرمان می‌دهد که با هر ضربتی که بر فرق مار می‌زند وی محل اصابت را بسوزاند که این کار مانع از رشد مجدد می‌شود.
نیروی سامان‌دهنده	سر جاودان هودره را با شمشیر برید و زیر سنگ بزرگی گذاشت. در نهایت شمشیر خود را با وارد کردن در خون هودره زهرآلود می‌سازد.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

وضعیت انتهایی	اوروستیوس وقتی ماجرا را می‌شنود به هرکول می‌گوید: «تو تقلب کرده‌ای. یولائوس تو را یاری کرده است. ماموریت‌هایت را باید به تنهایی انجام دهی. این یکی به حساب نمی‌آید. بنابراین هنوز نه کار دیگر مانده است. اکنون برو ماده گوزن زرین شاخ را برایم بیاور.»
---------------	--

تطبیق الگوی کنش‌گران خوان دوم هرکول بر اساس الگوی گرماس

الگوی کنش‌گران الگویی است برای تشخیص نقش شخصیت‌ها در یک اثر ادبی، تا موجب ادراک بهتر روابط میان شخصیت‌ها شود (عباسی، ۱۳۹۳). در ادامه این الگو بر خوان دوم هرکول تطبیق داده می‌شود.

عناصر الگوی کنش‌گران	تطبیق بر شخصیت‌های قصه
کنش‌گزار	هرکول
کنش‌گر	هرکول
کنش‌پذیر	هرکول
موضوع ارزشی	آزادی
کنش‌یار	آتنا (۱)، یولائوس (۲)
کنش‌برانداز	هودره

- کنش‌گزار با هدف دستیابی به موضوع ارزشی خود (کنش‌گر) تصمیم می‌گیرد با کنش‌برانداز مبارزه کند؛
- کنش‌گر که خود را در صدد شکست از کنش‌برانداز می‌بیند نزد کنش‌یار (۱) می‌رود؛
- کنش‌یار (۱) کنش‌یار (۲) را فرامی‌خواند؛
- بدین ترتیب کنش‌گر به وسیله اطلاعات به دست آورده از کنش‌یار (۲) موفق می‌شود کنش‌برانداز را از میان بردارد و به موضوع ارزشی خود دست یابد.

بازآفرینی خوان دوم هرکول: هفت‌خوان هوشنگ

هوشنگ توسط نامادریش آنه، از عمد بد تربیت و بزرگ شده بود. او تمام تنبلی‌ها و چاقی و شهوت و خلاصه تمام بدی‌ها را داشت و برای خانواده‌اش به جز ضرر سود دیگری نداشت اما ذات پاکی داشت. پاشنگ، شاه سرزمین ادوار از وجود پسرش به عنوان ولیعهد بسیار شرمسار بود و نگران ملتی بود که پس از مرگش به دست هوشنگ می‌افتد. به همین خاطر به دنبال

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

راهی بود تا وی را بدون اینکه خود را در بین ملتش آدم بدی جلوه دهد از سر راهش بردارد و پادشاهی را به پسر دیگرش جازئی برساند. جازئی پسر آنه بود و با اینکه بدنی رو فرم داشت و به ظاهر آدم نیکی بود اما همچون مادرش ذات بدی داشت. روزی آنه به پاشنگ شاه می گوید هوشنگ را بدست راسی فرمانده شهر تروس بسپارد و پاشنگ نیز قبول می کند. پاشنگ به هوشنگ می گوید: «به شهر تروس برو و هفت ماموریت بزرگ را که راسی بر عهدهات می گذارد با موفقیت انجام ده. اگر موفق شوی پادشاهی سرزمین ادوار را به تو می دهم». هوشنگ ابتدا قبول نمی کند اما بخاطر وعدهی پدرش مجبور می شود و به سوی تروس راه می افتد.

راسی نیز ذاتی بد نهاد داشت و پس از شنیدن فرمان پادشاه پاشنگ پیش خود فکری کرد که مطمئن باشد هوشنگ از پیش بر نمی آید پس نگاهی به سر تا پای تتبل و چاق هوشنگ انداخت و ماموریت اول را به وی گفت: «به شهر مهر برو و خشام را از بین ببر».

هوشنگ روانه شهر مهر می شود و می بیند هیچ یک از مردم شهر حرف نمی زنند و با خشم و عصابانیت به وی نگاه می کنند. از آنجا که هوشنگ خودش انسان خشمگینی بود بزودی مردم شهر هر کجا او را می دیدند بسویش گوجه و میوه های فاسد پرتاب می کردند. پس از چهل روز هوشنگ که دیگر از این وضع به ستوه آمده بود و خشام را نیز پیدا نکرده بود عزم کرد از شهر خارج شود و قید پادشاهی و ادامه ماموریت را بزند پس سر به بیابان گذاشت. همانطور که با گرما و تشنگی مبارزه می کرد مرغ خرمایی بروی سینه اش نشست و با نوکش به قمقمه آب هوشنگ زد. هوشنگ دلش سوخت و قطره آخر آب قمقمه خود را بر دهان پرنده چکاند. ناگهان پرنده گفت: «ای هوشنگ مردم شهر مهر به دلیل آب آشامیدنی که با اطلاع رهبر بی کفایتشان راسی به دست مارمولکی زهرآگین می شود دچار خشم و غضب هستند. مسیر لوله آب را بگیر. مواظب باش که به هیچ عنوان مارمولک را لمس نکنی». پری زرین از زیر بال خود کند و به هوشنگ داد و گفت: «ابتدا با سنگی بر فرق مارمولک بکوب و سپس آن را آتش بزن و خاکسترش را در آب بریز و سپس این پر را در سرچشمه آب زیر سنگی محکم قرار بده تا آبها پاک شوند». مرغ خرما که با حضورش درد و الم هوشنگ را از بین برده بود پری زد و رفت. هوشنگ به سوی شهر بازگشت و سرمشا آب را در لب غاری دید. متوجه شد مارمولک خوف انگیزی پای خود را بروی چشمه آب گذاشته. منتظر شد تا مارمولک بخواب رفت و تخته سنگی که بالای کوه بود را بروی آن انداخت. مارمولک همانطور که از درد به خود می پیچید و چشمانش به سیاهی شب می گروید از آب دور شد و جیغی مهیب کشیده و از دهانش بخاری سیاه خارج گردید. هوشنگ وقتی از مرگ مارمولک اطمینان حاصل کرد با احتیاط که پوستش با مارمولک برخورد نکند بروی آن چوب و علف های خشک ریخته و آتشش می زند. راهنمایی مرغ خرما را به یاد می آورد و اول خاکستر مارمولک را به جهت پادزهر به سرچشمه می ریزد و سپس پر زرین را در آب زیر سنگی محکم قرار داده تا به مرور زمان با حل شدنش تمام سم را از بین ببرد. هوشنگ پس از اولین موفقیتش بسوی شهر برگشت و دید که همه مردم با مهر و دوستی با هم صحبت می کنند و از وی استقبال می کنند. هوشنگ بدون اینکه خود را معرفی کند و خود را منجی آن شهر بداند و از اتفاقاتی که افتاده بگوید رهسپار تروس می گردد. چگونگی موفقیت ماموریتش را برای راسی تعریف می کند. راسی به دلیل موفقیت هوشنگ بشدت خشمگین می شود پس ماموریت دوم را که از بین بردن غول تک چشم حسد در شهر بلندنظرها بود به او می گوید.

در ادامه هوشنگ تمام خوانها را با موفقیت پشت سر می گذارد.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

نتیجه

یکی از نام‌آورترین اساطیر یونانی هرکول است، که خوان دوم از دوازده خوان هرکول، محور پژوهش حاضر قرار گرفته است. بررسی خوان‌های هرکول و تحلیل خوان دوم آن بر اساس الگوی ریخت‌شناسی پراپ، الگوی پیرنگ و الگوی کنش‌گران نشان داد که این داستان کهن یونان از ظرفیت نمایشی شگرفی برخوردار است. بر همین اساس یک اقتباس نیز از این اثر ارائه شد که می‌تواند مقدمه‌ای برای اقتباس‌های روزآمد از این داستان کهن باشد. امید است این پژوهش زنگ بیداری باشد برای پژوهشگران ادبیات و نمایشی جهت آشناکردن جوانان با اساطیر یونانی.

مراجع

۱. پراپ، ولادیمیر، ریخت‌شناسی قصه‌های پریان، ترجمه فریدون بدره‌ای، چاپ ششم، انتشارات توس، تهران، ۱۳۹۸
۲. عباسی، علی، پژوهشی بر عنصر پیرنگ، فصلنامه پژوهش زبان‌های خارجی، شماره ۳۳، ۱۳۸۵، صفحات ۱۰۳-۵
۳. عباسی، علی، روایت‌شناسی کاربردی: تحلیل زبان‌شناختی روایت، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۹۳
۴. قادری، نصرالله، آناتومی ساختار درام، چاپ سوم، انتشارات کتاب نیستان، تهران، ۱۳۸۸
۵. لنسلین گرین، راجر، اساطیر یونان از آغاز آفرینش تا عروج هراکلس، ترجمه عباس آقاجانی، چاپ ششم، نشر سروش، تهران، ۱۳۹۲